

دو سوال کلیدی درباره بازار ارز

علی فرحخش

چندی پیش یکی از شبکه‌های تلویزیونی فیلم مستندی از زمان ابرتورم در آرژانتین پخش کرد.

در صحنه‌ای از فیلم، رئیس‌جمهور وقت با عصبانیت رئیس کل بانک مرکزی را خطاب قرار داد که چرا برای پرداخت حقوق معوقه کارکنان دولت پول چاپ نمی‌کند، رئیس کل بانک مرکزی با درمماندگی در پاسخ گفت قربان قیمت ارز آنقدر بالا رفته است که برای واردات کاغذ اسکناس هم پول نداریم.

بحران‌های ارزی هم مانند سرطان‌های بدخیم هستند که گاهی متاستاز می‌کنند و به تمام بدن گسترش می‌یابند. متاستاز که در فارسی به آن نام دگر نشینی یا فراگستری هم اطلاق شده است، به گسترش و مهاجرت سلول‌های سرطانی از یک بافت به بافت‌های دیگر گفته می‌شود.

در این شرایط پزشکان معالج عملاً راهی برای درمان نمی‌یابند و گاه سعی می‌کنند با درمان‌های خاص فقط تاریخ مرگ را عقب بیندازند و به عبارتی استراتژی از این ستون به آن ستون را انتخاب می‌کنند.

اگر بخواهیم بحران ارزی اخیر را ریشه‌یابی کنیم، باید به علائمی در شاخص‌های کلان اقتصادی اشاره کرد که همچون نتایج سونوگرافی از نشانه‌های بروز بیماری ازسوی پزشک معالج خبر می‌داد. مریضی که به قدرت بدنی خود می‌نازد و آنچه را که در گزارش آزمایشگاه آمده است، با لبخند تلخی پاسخ می‌دهد، رشد نقدینگی شاهد تلخ این ماجرا بود که از آنجا که به واسطه لنگر اسمی نرخ ارز و نرخ واقعی سود سپرده‌های بانکی هنوز آثار تورمی خود را بروز نداده بود، ازسوی سیاست‌گذاران و مقامات ارشد اجرایی کشور چندان جدی گرفته نشده بود.

سیل جوشان نقدینگی که در پشت سد سرکوب نرخ ارز و سود جذاب سپرده‌های بانکی جاکش کرده بود، ناگهان با تصمیم دولت در مورد کاهش دستوری نرخ سود بانکی روبه‌رو شد که همچون دریلی عمل کرد که اندک‌اندک اجازه نفوذ آب را از پشت دیواره‌های سد داد. از نیمه دوم سال پیش اندک‌اندک علائمی از حرکت خزنده قیمت‌ها در بازارهای مسکن و ارز به چشم خورد و نرخ ارز از ۳۸۰۰ تومان در ابتدای شهریورماه به ۴۲۰۰ تومان در ابتدای دی‌ماه رسید.

با آغاز اعتراضات دی‌ماه و زمزمه‌ها در خصوص خروج ترامپ از برجام، آهنگ رشد قیمت ارز شتاب بیشتری گرفت و به مرزهای ۵ هزار تومان در پایان سال رسید. با اعلام خروج ترامپ از برجام و محدودیت دسترسی به منابع ارزی به خصوص اسکناس و تقویت موج انتظارات تورمی اکنون قیمت دلار ۱۶ هزار تومان را پشت سر گذاشته است و همچنان واهمه بسیاری نسبت به آینده هم در بین سیاست‌گذاران و هم در بین عامه مردم وجود دارد.

دو سوال کلیدی اکنون مطرح می‌شود که پاسخ به آن بسیار دشوار می‌نماید. نرخ ارز تا کجا می‌تواند صعود کند و سیاست‌گذار اقتصادی چه برنامه‌ای می‌تواند برای ثبات اقتصادی داشته باشد؟ در پاسخ به سوال اول باید گفت با فرض آنکه تنش‌های سیاسی ادامه یابد، از آنجا که به قول لوکاس در آستانه یک تغییر ساختاری در اقتصاد کشور هستیم، پیش‌بینی کردن همچون پیشگویی یک مسابقه فوتبال است که هر نتیجه‌ای ممکن است در آن رخ دهد.

برای توصیه به سیاست‌گذار هم باید به اختصار گفت، از سیاست‌هایی که در گذشته اجرا کرده است، عبرت گیرد. مراقب رشد نقدینگی باشد و از کنترل دستوری قیمت‌ها و از هر گونه تنش در سیاست خارجی کشور بپرهیزد.



تشدید فقر عمومی با احتکار کالا در خانه‌ها

فقر اقتصادی یا فقر فرهنگی؟



ضعیف جامعه توانایی خود برای خرید مایحتاج روزانه را از دست می‌دهند. به عنوان یک هموطن نمی‌توانم شاهد درد و رنج آنها باشم. این وظیفه همه ماست که در برابر این گونه رفتارها مسئولانه رفتار کنیم و مانع از تشدید فشارهای معیشتی بر هموطنانمان بشویم. ضمن اینکه قطعاً ادامه این وضعیت به من هم ضربه وارد خواهد کرد. باید متوجه باشیم که افزایش تقاضای کاذب برای کالاهای ضروری و حتی غیرضروری مانند روشن کردن آتشی است که با بزرگ شدن آن همه مادچار دردمر می‌شویم.»

شنیدن این جملات، برق امید را بر چشمانم نشانند. این مرد میانسال در حقیقت بدیهیاتی را به من یادآوری کرد که این روزها در مواضع به اصطلاح اقتصاددانی که در شبکه‌های ماهواره‌ای اظهار فضل می‌کنند، یافت نمی‌شود. «تورم ناشی از فشار تقاضا» اصطلاحی است که معمولاً اقتصاددانان از آن استفاده می‌کنند تا شرایطی را توصیف کنند که در آن سطح قیمت به دلیل عدم تعادل در عرضه و تقاضای کل افزایش می‌یابد. وقتی در یک اقتصاد «تقاضای کل» از «عرضه کل» بیشتر شود، قیمت‌ها افزایش خواهند یافت. اقتصاددانان معتقدند که این نوع تورم در نتیجه پول‌های انگیزه‌اش برای جوگیری از خروج قوطی‌های رب گوجه فرنگی از فروشگاه می‌پرسم، می‌گوید: «این کار به کمپاب شدن اجناس و در نتیجه افزایش قیمت آنها منجر می‌شود. در نتیجه این رفتار، افشار

امین قلعه‌ای

از دحام جمعیت روی به روی هابیرمارکت توجهم را به خود جلب کرد. مردی میانسال در فروشگاه را نشان می‌داد و می‌گفت اجازه نمی‌دهم قوطی‌های رب را از این مغازه خارج کنیم. خانم میانسال می‌گفت پول رب‌ها را پرداخت کرده و می‌خواهد آنها را داخل اتومبیلش بگذارد. مرد در برابر اصرار خانم جوان گفت: هیچ اشکالی ندارد اگر این ۳۰ قوطی رب از مغازه خارج شود با تعزیرات تماس می‌گیرم و مغازه‌دار باید پاسخگو باشد که چرا در این شرایط به یک نفر ۳۰ قوطی رب می‌فروشد؟» شاید شما هم مثل من، در روزهای اخیر با چنین صحنه‌هایی مواجه شده‌اید. عده‌ای از هموطنان در واکنشی هیجانی به گرانی‌ها با مراجعه به فروشگاه‌ها، تقاضا برای برخی اجناس را بالا می‌برند. این ماجرا چندی پیش برای پوشک کودکان نیز پیش آمد و این ماه موضوع به رب گوجه فرنگی کشیده شد. اما افزایش تقاضا برای خرید برخی اجناس و خالی شدن فروشگاه‌ها از این اجناس چه پیامدی به دنبال دارد؟

افزایش تقاضا تورم را تشدید می‌کند

بعد از پراکنده شدن جمعیت از مرد میانسال معترض در مورد انگیزه‌اش برای جوگیری از خروج قوطی‌های رب گوجه فرنگی از فروشگاه می‌پرسم، می‌گوید: «این کار به کمپاب شدن اجناس و در نتیجه افزایش قیمت آنها منجر می‌شود. در نتیجه این رفتار، افشار

احتکار کنندگان در این اخبار عمدتاً تاجران و مغازه‌دارانی هستند که به دلایل مختلف اجناس وارداتی و حتی تولید داخل را در انبارهای خود نگه می‌دارند. آنها در توجیه این رفتار از موضوع عدم ثبات قیمت‌ها می‌گویند و ترس از ضرر در صورت فروش کالا به قیمت پایین‌تر از قیمت فردا. این همه امادر حالی است که به دنبال تهیدات دولت، عمده کالاهای ضروری وارداتی و حتی مواد اولیه برای تولید برخی کالاها عموماً با ارز دولتی و با قیمت‌های مصوب وارد و با در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌گیرد. این که قطور تجار و واردکنندگان نسبت به آینده بازار خویش هراسناک هستند موضوع دیگری است که باید در مجالی دیگر به آن پرداخت.

در این بین اما رفتار شهروندان در خرید نامتعرف برخی کالاها، با بهای بالا، قطعاً نوعی احتکار است که همانطور که گفتیم به افزایش تورم منجر می‌شود. در نتیجه افزایش تورم به مرور زمان شاهد تشدید گرانی کالاها و حتی خدماتی خواهیم بود که در اقتصاد ارائه می‌شود و این چرخه فقر و افزایش سرعت سقوط دهک‌های میانی به دهک‌های پایین درآمدی را تشدید می‌کند. بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار در ماه گذشته، سبد مصرفی خانوارها در دهک‌های مختلف است. معمولاً نسبت به مرداد ماه، ۵/۴ درصد رشد کرد. اما شدت رشد برای همه دهک‌های هزینه‌ای کشور، یکسان نبوده است. گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که فشار تورمی بر دهک‌های بالای هزینه‌ای بیشتر حس شده و دهک‌های پایین هزینه‌ای، تورمی

تشدید فقر با احتکار کالا در خانه

احتکار کالا موضوعی است که این روزها اخبار زیادی از آن در رسانه‌های کشور منتشر می‌شود.

استفاده از تعبیر اشتباه نظیر «قحطی» در شرایطی که بر اساس اخبار موثق، دولت از ذخیره‌اری و کالایی مناسب برای تأمین مایحتاج اصلی مردم بر خودار است تنه‌ای تشدید بحران و دور شدن از مسیر حل مشکلات منجر خواهد شد

کمتر از میانگین کل کشور محتمل شده‌اند. تورم ماهانه دهک اول هزینه‌ای (کم‌برخوردارترین قشر جامعه) ۴/۵ درصد بوده است و هر چه به سمت دهک‌های بالاتر هزینه‌ای پیش رویم، عدد تورم ماهانه نیز افزایش می‌یابد. طوری که تورم ماهانه برای دهک دوم، ۷/۲ درصد گزارش شده است که بالاترین تورم ماهانه‌ای است که کل دهک‌های هزینه‌ای بر اساس آمارهای موجود دیده‌اند. در مقیاس سالانه نیز تورم نقطه به نقطه در دهک‌های بالا به ۳۰ درصد نزدیک شده و این در حالی است که تورم در دهک‌های پایین حدوداً ۵ درصد کمتر بوده است. آنچه که در محاسبه تورم دهک‌های هزینه‌ای اختلاف را رقم می‌زند، سبد مصرفی خانوارها در دهک‌های مختلف است. معمولاً افرادی که درآمد کمتری برای زندگی دارند، اکثر سبد مصرفی آنها را مواد اولیه زندگی، یعنی خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها تشکیل می‌دهد و درآمد آنها، کفاف تفریح و هزینه‌های دیگر را کمتر می‌دهد. برای همین

سهم خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در دهک اول، معادل ۱/۳ درصد از سبد مصرفی خانوار و در دهک دوم، ۱۷/۲ درصد است. در نتیجه هر گاه بار تورم بر دوش خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها باشد، انتظار این است که تورم در دهک‌های پایین محسوس‌تر باشد و اگر بار تورم به سمت کالاهای غیر خوراکی و خدمات سنگینی کند، دهک‌های بالا باید خود را برای پذیرش تورم سنگین آماده کنند. اما در ماه گذشته تورم خوراکی و آشامیدنی همچنان از تورم غیر خوراکی و خدمات بیشتر بوده است، با این حال تورم در دهک‌های پایین هزینه‌ای کمتر القا شده است. دلیل آن هم این بوده که حتی تورم خوراکی‌ها نیز برای دهک‌های پایین، کمتر از دهک‌های بالا بوده است. علت این اتفاق را می‌توان به سبد مختلف غذایی مصرفی در دهک‌های پایین در قیاس با دهک‌های بالایی، نسبت داد. احتمالاً در دهک‌های بالای هزینه‌ای، سهم کالاهای وارداتی در سبد خوراکی آنها پررنگ‌تر است و با توجه به صعود نرخ ارز در ماه‌های اخیر، قیمت کالاهای وارداتی نیز نسبت به کالاهای تولید داخل با شدت بیشتری رشد کرده است؛ بر همین اساس تورم خوراکی‌ها در دهک‌های بالا در ماه گذشته به ۷ درصد رسیده، در حالی که این عدد در دهک اول ۵/۸ درصد برآورد شده است.

علت اصلی بی‌ثباتی چیست؟

قیمت رب گوجه فرنگی همانطور که در ابتدای گزارش گفتیم این روزها به یکی از موضوعات اصلی پر مباحثه در جامعه ایران تبدیل شده است. شرایطی که البته هر

چند وقت یک بار برای یکی از کالاها ایجاد می‌شود و پای برخی از شهروندان را برای خرید نامتعرف به فروشگاه‌ها باز می‌کند. در این بین اما باید گفت که بروز این رفتار از سوی برخی شهروندان نقطه آغاز ماجرا نیست بلکه آنچه باعث برهم خوردن تعادل در قیمت‌گذاری کالاها می‌شود، اتفاقاتی است که به افزایش اولیه قیمت کالاها منجر می‌شود. علی‌شریعی، رئیس کانون صنایع غذایی ایران درباره گرانی گوجه فرنگی و برخی اقلام تره‌بار و تأثیر آن روی صنایع تبدیلی و کنسروجات گفت: «وقتی در بازار دخالت کنیم و نگذاریم نظام عرضه و تقاضا بازار را کنترل کند و به جای آن با صدور بخشنامه و ممنوعیت یا آزاد کردن صادرات بخواهیم بازار را تنظیم کنیم، در نهایت این

«تورم ناشی از فشار تقاضا» اصطلاحی است که معمولاً اقتصاددانان از آن استفاده می‌کنند تا شرایطی را توصیف کنند که در آن سطح قیمت به دلیل عدم تعادل در عرضه و تقاضای کل افزایش می‌یابد. وقتی در یک اقتصاد تقاضای کل از عرضه کل بیشتر شود، قیمت‌ها افزایش خواهند یافت. اقتصاددانان معتقدند که این نوع تورم در نتیجه پول‌های بسیار زیادی است، که به دنبال یک نوع کالا هستند

نوسانات را شاهد خواهیم بود.» وی در ادامه می‌گوید: «با توجه به قیمت ارز، تولیدکنندگان تمایل دارند تولیدات خود را صادر کنند؛ هر چند با قوانین جدید ارزی و اخذ تعهدنامه از صادرکنندگان شاهد قاچاق معکوس هستیم و این بار از ایران، تره‌بار، رب گوجه و انواع کنسروها به صورت غارت‌وار به خارج از کشور انتقال پیدا می‌کنند. فروش نمایندگی‌های استان‌های مرزی در چند هفته اخیر چند برابر شده است اما نظارت کافی روی آنها و این که آیا این ارز برمی‌گردد یا خیر، وجود ندارد. این الزام تعهد برای صادرات به افغانستان و عراق سبب شده که کارت‌های بازرگانی یک روزه دوباره فعال شوند. تا پیش از این این کارت‌ها برای واردات خودرو استفاده می‌شد اما الان برای تعهد ارزی استفاده می‌شود.»

راه حل اصلی چیست؟

واقعیت این است که یافتن راهکار برای حل مشکلاتی که امروز برای معیشت مردم ایجاد شده چندان دشوار نیست. کارشناسان معتقدند عدم دخالت در فرآیندهای تأمین مواد اولیه برای تولید کالاها و قیمت‌گذاری کاذب بر روی آنها از یک سو و کنترل فشارهای روانی بر شهروندان و تعمیم آگاهی عمومی در جامعه در مورد رشد تقاضا برای کالاهای ضروری به مرور زمان ثبات را به بازار کالاها تولید داخل و حتی وارداتی باز خواهد گرداند. در این میان باید گفت استفاده از تعبیر اشتباه نظیر «قحطی» در شرایطی که بر اساس اخبار موثق، دولت از ذخیره‌ارزی و کالایی مناسب برای تأمین مایحتاج اصلی مردم بر خودار است تنها به تشدید بحران و دور شدن از مسیر حل مشکلات منجر خواهد شد.



است؛ به گونه‌ای که شاهد فروش برخی محصولات رب گوجه فرنگی با برندهای مختلف با قیمتی معادل ۲۲ هزار و ۵۰۰ تا ۲۴ هزار و ۵۰۰ تومان نیز هستیم. جالب‌تر این که آن‌ها قیمت اصلی این محصولات را معادل بیش از ۲۵ و ۲۷ هزار تومان تعیین کرده‌اند که با اعمال تخفیف‌های مربوطه، قیمت نهایی بیش از ۲۲ و ۲۴ هزار تومان اعلام شده است. در زیر، تصاویر مربوط به فروش هر قوطی گوجه فرنگی در یکی از سایت‌های فروش به قیمتی بیش از ۲۲ و ۲۴ هزار تومان قابل مشاهده است.

حذف برچسب قیمت از روی برخی قوطی‌های رب!

این محصولات درج نشده بود. به گفته یکی از فروشندگان، تولیدکننده مربوطه، هر قوطی رب گوجه فرنگی را با قیمتی معادل ۱۶ هزار و ۵۰۰ تومان به او فروخته بود و این واحد فروش نیز قیمت نهایی را برای مشتری معادل ۲۰ هزار تومان تعیین کرده است.

به طور حتم یکی از مسائلی که به افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و بی‌سامانی بازار رب گوجه فرنگی دامن می‌زند، عدم درج قیمت نهایی محصول توسط واحدهای تولیدی روی قوطی‌های بسته بندی است و به طور حتم برخی از تولیدکنندگان در ماجرای افزایش قیمت رب گوجه فرنگی بی‌تقصیر نیستند.

قیمت‌های عجیب و غریب در خریدهای مجازی!

اما مساله عجیب‌تر قیمت‌های بالای هر قوطی رب گوجه فرنگی در سایت‌های فروش

عرضه رب گوجه فرنگی شرایط جدیدی را تجربه می‌کند؛ به گونه‌ای که قیمت‌ها چه در واحدهای فروش و چه در فضای مجازی سقف ۲۰ هزار تومانی را رد کرده است.

در کارخانه‌ها و واحدهای فروش چه می‌گذرد؟

یکی از مسائلی که در حال حاضر قیمت رب گوجه فرنگی را دچار چالش کرده، عدم درج قیمت توسط تولیدکنندگان است. آنها محصول خود را به صورت کلامی و با قیمت توافقی به واحدهای فروش عرضه می‌کنند و هر یک از واحدهای فروش نیز محصول را با قیمت تشخیصی خود و تا سقف مشخصی به مشتریان می‌فروشند! امروز (یکشنبه) برخی خرده‌فروشی‌ها هر قوطی رب گوجه فرنگی را به قیمت بیش از ۲۰ هزار تومان عرضه می‌کردند و این در حالی است که قیمتی روی بسته‌بندی

توسط واحدهای تولیدی در کنار نبود نظارت از سوی دستگاه‌های متولی موجب شده قیمت این محصولات در واحدهای فروش تا حدود ۲۰ و در سایت‌های فروش تا ۲۵ هزار تومان پیش رود. به گزارش ایسنا، اخیراً پس از افزایش قیمت و کاهش عرضه گوجه فرنگی برای کارخانه‌های تولیدی شاهد افزایش یکباره قیمت رب گوجه فرنگی بودیم؛ به نحوی که طی هفته گذشته هر قوطی از این محصول با قیمتی معادل ۱۶ تا ۱۷ هزار تومان نیز عرضه شد.

به گفته دبیر سندیکای صنایع کنسرو ایران، مقوله گرانی هر قوطی رب گوجه فرنگی به مسائل عدیده‌ای از جمله افزایش نرخ ارز از ۴۲۰۰ تومان تا ۸۰۰۰ تومان برای واحدهای تولیدکننده و نیز افزایش قیمت هر کیلورب گوجه فرنگی تا ۲۰۰۰ تومان مرتبط بود. اما در هفته جاری بخش تولید و بازار